

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و الله خير ناصر و المعين

و با سلام و احترام باستحضار خوانندگان عزيز و گرامي ميرساند :

بدنبال طرح سلسله بحث هاي حقوقي در جهت آشنائي با قوانين موضوعه قبلاً تعاريف واژه قانون و اصطلاح آن و انواع آن در حد بضاعت بعرض رسيد و در اين مقاله بطور اجمال مباحث حول دو محور الف : تعريف واژه حقوق و اصطلاح و انواع آن ، ب : آشنائي با بعضي از مسائل حقوقي از نظر ميگذرد .

حقوق (Droit)

جمع « حق » است و در فقه اسلامي و علم جديد هم استعمال گرديده است و شامل حق جزئي و كلي هم ميشود .

و در معني ديگر به علومي كه از قوانين موضوعه بحث نمايد حقوق گویند و در حقوق اداري و كارگري به اجرت و حق المازحه دريافتي كارمند و كارگر نيز گویند .

انواع حقوق بدین شرح است :

الف : حقوق شكلي

ب : حقوق ماهوی

حقوق شکلی :

به تکالیف و وظائف مندرج و ناشی از آئین دادرسی مدنی کیفری و انتظامی که حکایت از چگونگی طرح دعاوی و دفاع در رسیدگی مراجع صالحه قانونی و روابط فی مابین اصحاب دعاوی و محاکم و وکلاء آنان و روند اجرای احکام نماید را اجمالاً « حقوق شکلی » گویند .

حقوق ماهوی :

به امور ناشی از چگونگی دادرسی مدنی ، کیفری ، انتظامی که حکایت از عوامل و مدارک و موارد و مستندات دعاوی و دفاع در رسیدگی مراجع صالحه قانونی را نماید و در آن صدور حکم مستلزم بررسی تمامی اسباب و استناد به آن باشد را حقوق ماهوی گویند.

(1)

حقوق اسلام (شرعی)

به امور حقوقی ناشی از کتاب و سنت و اجماع و عرف که به روابط انسانی با انسان و خداوند تعیین تکلیف نماید حقوق اسلام و شرعی گویند حقوق اسلام یکی از قوانین 5 گانه جهان است .

حقوق رومیانی

حقوق قدیمی تا تاریخ تدوین در زمان ژوستینی نین بعنوان یکی از قوانین 5 گانه حقوق جهان است که لرزیسهای اروپائی و آمریکائی و روسی از اقمار همین حقوق هستند .

تذکر : 1- کشور انگلستان از حوزه این حقوق خارج میباشد .

2- مجموعه قانون مدنی فرانسه هم از همین قانون میباشد .

حقوق ایران

از حقوق ایران قبل از ظهور اوستا اطلاعی در دست نیست و اما بعد از ظهور اوستا و شرح آن بطور ابتدائی در وندیداو آمده است ولی در عصر حکومت اسلامی قوانین در حقوق ایران علی الماصول قوانین شرع بوده ولی همزمان مقررات عرفی وجود داشت همانند قوانین حقوق اداری و مالیات و مجازاتهای بزه ها و در عصر مشروطه تعدادی از قوانین فرهنگ غرب به قوانین ایران تاثیر گذشت که قانون تجارت از جمله آنهاست و به قانون مدنی که مقررات آن ماخونه از فقه امامیه است و تقریباً نود درصد قانون مدنی را تشکیل می دهد و غالب آنها قول مشهور فقها است و بهترین متون قانونی ما را فراهم آورده است مواد خارجی مانند اقامتگاه ، سجل احوال ، تابعیت ، احوال شخصیه ، کلیات تعهدات ، اسناد و امارات ، اثر گذاشته است .

حقوق شهروندان « jus civile »

حقوقی که فقط به سکنه یک شهر از کشوری داده شود (در برابر حقوق مردم کشور به کار رفته است) مثال : در تاریخ حقوق رم انتخابات مخصوص شهر رم بود و سایر اهالی کشور از آن محروم بودند بعداً این حق شهروندی مردم رم به سایر بلاد ایتالیا داده شد هر چند که عملاً نمیتوانستند در انتخابات عمومی شکر کنند در سالهایی که هجرت به مدینه را تشویق می کردند حقوقی برای شهروندان مدینه مقرر بود که اعراب بادیه و غیرمهاجرین از آنها محروم بودند .

(2)

حقوق خانوادگی Family law (حقوق الماسره) (حقوق المعائلیّه)

مجموعه حقوقی است که هدف آنها تنظیم روابط خانوادگی است مانند حضانت ولایت ، حجر و قیمیت ، وصایت و غیره ،

حقوق خصوصی

یعنی مباحث حقوق مدنی خاص و آئین دادرسی مدنی و حقوق تجارت که حقوق خصوصی داخلی نامیده میشود به علاوه حقوق بین الملل خصوصی ،

حقوق عمومی (بشر) droit des gens

در این معانی استعمال شده است 1- حقوق بین الملل عمومی 2- حقوق طبیعی بین الملل 3- در حقوق رم به دو معنی استعمال شده است .

الف : حقوقي که در قلمرو کشور روم نسبت به رومي و اجانب قابل اجراء است .

ب : حقوقي که بین تمام مردم مشترک است .

حقوق داخلی

حقوقي است که در قلمرو کشور درباره همه ساکنان آن اجراء میشود خواه تبعه باشند خواه نه ,

حقوق خارجی

قوانینی است که ناظر به روابط دول با هم و یا روابط اتباع دول با یکدیگر است .

حقوق دیوانی :

1- نیم عشر اجرائی در اجراء اسناد رسمی را گویند

2- حقوق دولتي عمّال دولت را گویند .

حقوق روستايي :

مجموعه قوانين و مقررات راجع به توسعه و بهبود کشاورزي و استفاده از اراضي و مواد فلاحتي و روابط زارع و کشاورز با مالک يا دولت يا بنگاه هاي کشاورزي مانند شرکت تعاوني روستائي و بانک اعتبارات کشاورزي و جز اينها است .

(3)

حقوق ثابتہ :

(مدني) اگر حقي طبق قانون براي کسی بوجود آمده باشد سپس آن قانون تغيير کند و منسوخ گردد آن حق از بين نمي رود و ثابت ميمانند در بحث عطف قانون به ماسبق اين مطلب مورد پيدا ميکند .

حقوق جزا (droit pega) criminal law)

1- در معني عام عبارت است از شعيه اي از علم حقوق که هدف آن پيش بيني و مجازات کارهائي است که مغايرنظم اجتماعي است اين شامل حقوق جزاي ماهوي و آئين دادرسي کيفري است .

2- در معنی خاص فقط شامل حقوق جزای ماهوی است که جرم‌ها را تعریف و مشخص می‌کند و مجازات آنها و شروط مسئولیت کیفری را بازگو میکند اگر از جرائم اختصاصی بحث کند نام آن « حقوق جزای اختصاصی » است ، اگر از جرائم عمومی گفتگو کند نام آن (حقوق جزای عمومی) است .

دو مورد ذیل از شعب حقوق جزا است :

اول - حقوق جزای بین دول - لازم است که یک سلسله قواعد جزائی بر دول حاکم باشد و دولت‌ها به عنوان اشخاص حقوقی در برابر یک دادگاه جزای بین المللی مسئول باشند مانند دادگاه نورمبرگ که جنایتکاران جنگی بین المللی را محاکم کرد و اکنون هم در بدر دنبال صربهای بوسنی (یوگسلاوی) میگردند تا آنها را پشت میز محاکم بنشانند تا این لحظه دو نفر دستگیر و یک نفر هم موقع دست گیری بر اثر تیراندازی کشته شد .

دوم - حقوق جزای بین المللی - علمی است که موضوع آن عبارت است از صلاحیت مراجع کیفری کشور در برابر مراجع کیفری کشور خارج و اجرای قوانین جزای خارجی (شکلی و ماهوی) نسبت به امکان و اشخاص و اعتبار احکام جزائی صادر شده از خارجه در داخل کشور .

حقوق جنائی :

حقوق جزا در معنی اعم است .

(4)

حقوق حقّه

یعنی حقوق مشروع و قانونی که به صورت حق جزئی برای کسی جلوه کرده است .

حقوق النكاح

(مدني) ظاهراً معادل حقوق زوجیت است .

حقوق الموالیات

(حقوق اداري) يعني اهلیت دارا شدن حقوق در رابطه با مناصب دولتي ، حق اشتغال به مشاغل دولتي (= حقوق سياسي) و شرکت در حکومت جامعه خویش ، پس حق ولایت يعني حق سياسي.

حقوق انسان droit de l'homme

(حقوق عمومي) آحاد مردم از نظر انسانیت دارای حداقل حقوقی اند که ربط به حیثیت و تابعیت و مذهب و نژاد و رنگ و جنس آنان ندارد کمیت این حقوق به طرز فکر یک ملت و فرهنگ آنان بسته است دول در روابط حقوق بین الملل تمایل به رعایت حقوق انسان دارند .

حقوق انضباطي :

مقررات صنفی راجع به تخلفات انضباطی و سزای آنها را گویند .

حقوق ارثیه :

(مدنی) کلیه حقوق که به ارث و وصایا مرتبط باشد. تقسیم ترکه که جزو انتظامات است بیرون از مفهوم این واژه است .

حقوق اساسی :

رشته ای از حقوق داخلی هر کشور است که بحث میکند از شکل حکومت و سازمانهای دولتی و حدود حقوق و تکالیف دول این تعریف ناظر به حقوق اساسی مدون و مکتوب است در حکومت های قدیم حقوق اساسی نانوشته وجود داشت .

حقوق المآبدان :

(فقه - حقوق جزا) جمیع مقررات که در رابطه با بدن انسان باشند مانند کیفرها که متوجه پیکر بزهکار است اما معلوم نشد که شامل مقررات حج و اعتکاف هم میشود یا نه .

(5)

حقوق المسلمين

(فقه) معادل و برابر حق الناس (حقوق الناس) است به واژه حق الناس بنگرید .

حقوق اجتماعي

(حقوق اساسي) حقوق سازمانهاي عالميه دولتي در رابطه با افراد جامعه و در رابطه با يکديگر مانند حق انتخاب شدن به وکالت مجلس و حق وزارت و تصدي وزارت و حق رسيدن به مناصب قضائي .

حقوق اداري

علمي است که از سازمانهاي اداري و صلاحيت و تکليف آنها در رابطه با مردمان و يکديگر بحث ميکند در اسلام اين بحث مهم در کتب احکام السلطانيه و کتب حسيه درج شده است .

حقوق ادعائيه

حقوق مورد ادعاء کسی نسبت به مالی که هنوز در مراجع قضائی طرح نشده باشد و یا طرح شده ولی حکم لازم الاجراء در آن مورد صادر نشده باشد .